

وضعیت اصل و نسب زنان ایرانی دربار ساسانی براساس منابع مصور و مکتوب تاریخی

چکیده

بررسی تاریخ اجتماعی ادوار طولانی از تاریخ ایران نشان می‌دهد مسئله اصل و نسب یکی از دغدغه‌های مهم سیاسی و اجتماعی بوه است که ارتباط نزدیکی با مشروعیت داشت. ساسانیان بیش از چهار سده بر قلمرو وسیعی از ایران و انیران حکم راندند و شاهنشاهی به وجود آوردند که دغدغه پاک‌ی خون و اصالت نسب داشت. این اهمیت علاوه بر نژاده بودن تبار پدر برای تبار مادر نیز مطرح بوده است؛ چنانچه از نظر حفظ پاک‌ی خون و نسب، توصیه به خویدوده یا ازدواج با محارم می‌کردند. به نظر می‌رسد در سلسله ساسانی، پادشاهان همسران ایرانی و انیرانی اختیار می‌کردند که از آن‌ها هم در منابع مکتوب و هم در آثار تاریخی مربوط به زمان ساسانیان مانند کتیبه کعبه زردشت نام برده شده است. مسئله‌ای که در اینجا مطرح است چگونگی تأثیر این رویکرد بر وضعیت زنان و اصل و نسب آن‌ها در دوره ساسانی است. این پژوهش با هدف بررسی اصالت نژادی و نسب زنان ایرانی بر پایه منابع مکتوب و مصور تاریخی انجام گرفته است. روش این پژوهش تحلیلی- توصیفی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، در این دوران همسران پادشاهان ساسانی بیشتر از خاندان‌های بزرگ اشکانی انتخاب می‌شدند و می‌توان گفت در سلسله ساسانی، حداقل در بدو تأسیس، از عنوان خانوادگی این زنان، به واقع یا به صورت تبلیغی برای مشروعیت بخشیدن به پادشاهی استفاده می‌شد. علاوه بر این موارد به چند نمونه ازدواج خویدوده نیز می‌توان اشاره نمود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اصل و نسب زنان دربار ساسانی براساس منابع مکتوب و مصور تاریخی.
۲. بررسی نقش ازدواج در مناسبات قدرت در دوره ساسانی.

سؤالات پژوهش:

۱. مسئله اصل و نسب زنان در دوره ساسانی چه تأثیر در مناسبات سیاسی داشت؟
 ۲. آیا شواهدی ازدواج خویدوده در منابع مکتوب و مصور تاریخی می‌توان یافت؟
- کلیدواژه‌ها:** ساسانیان، زنان درباری، اصل و نسب، خویدوده، منابع مکتوب و مصور تاریخی.

مقدمه

جامعه دوره ساسانی از نظر وضعیت اجتماعی و طبقاتی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود. مهم‌ترین این شاخصه پای‌بندی به شرایط طبقاتی و نژادی بود. در دوران ساسانی خاندان‌های بزرگ کارن، سورن، اسپاهبذ، مهران، اسپندیاد و زیک در کنار خاندان ساسانی وجود داشتند؛ ولی در این بین خاندان ساسانی بود که به سبب نژاده بودن حق پادشاهی داشت. در واقع ساسانیان می‌کوشیدند تحت پوشش نظام طبقاتی جامعه ساسانی و با تکیه بر پاکی خون و اصالت نسب و جلوگیری از پخش شدن مالکیت به دست بی‌تخمگان، قدرت را در خاندان ساسانی و مالکیت را در خاندان‌های بزرگ حفظ کنند. توصیه‌های نامه تنسر خود گواه این مطلب است. لذا پادشاهان ساسانی همواره در مسئله ازدواج برحفظ این نژادگی و جلوگیری از آلودن تبار خود می‌کوشیدند. چنان‌چه حتی به خویوده و ازدواج با محارم نیز اقدام می‌کردند. پادشاهان ساسانی از کشورهای همسایه نیز زن می‌گرفتند و تعداد زیادی زنان انیرانی نیز در حرمسرای شاهان ساسانی وجود داشت. بنابر شواهد موجود مسئله نژادگی و اصل و نسب زنان دربار ساسانی حتی در کشمکش‌های میان شاهزادگان در رسیدن به قدرت نیز دخیل بوده است؛ نمونه آن را در مسئله جانشینی شاپور اول (۲۷۰/۲۷۲ - ۲۳۹ م) می‌توان دید.

با توجه به اهمیت موضوع حال این پژوهش بر آن است با بررسی وضعیت اصل و نسب ملکه‌های ایرانی ساسانی مشخص کند پادشاهان ساسانی بیشتر با چه خاندان‌هایی وصلت می‌کردند و اهداف سیاسی این ازدواج‌ها و نتایج مورد انتظار از آن‌ها چه بوده است. برای این امر از منابع مکتوب و مصور تاریخ ساسانی استفاده شده است؛ درباره منابع اسلامی - ایرانی از سده اول و دوم هجری کتابی باقی نمانده است و از سده سوم هجری هم منابع محدودی در دست داریم، لذا منابع این پژوهش اغلب مربوط به قرن ۴ به بعد می‌شود و تا قرن ۱۰ هجری را در بر می‌گیرد. در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی به این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال مقالاتی درباره زنان دوره ساسانی نوشته شده است. مقاله‌ای با عنوان «زنان غیر زردشتی در دربار ساسانی و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های مرتبط با اقلیت‌های دینی در ایران» توسط میترا میربخش و همکاران (۱۳۹۹) به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسندگان به چگونگی ملکه شدن زنان غیر زردشتی در دربار ساسانی و میزان نفوذ آن‌ها در امور سیاسی پرداخته‌اند و در این اثر اشاره‌ای به اهمیت مسئله نژاده بودن در خصوص زنان دربار ساسانی نشده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «زنان در سکه‌های ساسانی» به قلم نسرین سادات شجاعی و عفت سادات افضل طوسی (۱۳۹۵)، به رشته تحریر در آمده است. در این اثر با تکیه بر سکه‌های بر جای مانده از این دوره به واکاوی زنان و پوشش آن‌ها پرداخته شده است.

در انجام این تحقیق از روش استقرائی (جزء به کل) استفاده شده و شیوه نگارش و تدوین مطالب به صورت تحلیلی-توصیفی است. همچنین منابع و مطالب مورد استناد و استفاده در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و آرشیوی گردآوری شده است.

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن هر سلسله‌ای، پیوند سران این سلسله با زنانی از سلسله قبل، امری است که قبلاً هم شاهد تکرار آن در تاریخ بوده‌ایم؛ چنانچه در سلطنت داریوش اول شاهد ازدواج او با دختران کوروش بزرگ (همسران کمبوجیه) و دختر بردیا هستیم. همچنین ازدواج اسکندر با دختر داریوش سوم و دختر اشراف‌زاده‌ای از سغد یا ازدواج سلوکوس اول با اپامه. این ازدواج‌ها، هم مشروعیت سلسله جدید را بیشتر می‌کرد و هم به جهت پیوندی که با سلسله قبل ایجاد می‌کرد، مدعیان احتمالی سلطنت را بر جای می‌نشانند. با بررسی منابع مکتوب و مصور تاریخ ساسانی آشکار می‌گردد که سلسله ساسانی نیز از این قاعده برای مشروعیت‌بخشی و استحکام سلسله خود بهره برده است. چنانچه از نخستین گام‌های تشکیل این سلسله ازدواج ساسان با رام بهشت، دختری از سلسله شاهان محلی پارس، بازرنگیان بوده است و تداوم این امر را در ازدواج دیگر سران این سلسله چون اردشیر با دختر اردوان و پیوند با خاندان اشکانی و شاپور اول با دختر مهرک‌شاه از شاهان محلی و بازمانگان اشکانی شاهد هستیم. بدین ترتیب با برقراری پیوند نسبی با سلسله قبل و شاهان محلی علاوه بر مشروعیت بخشیدن به سلطنت خود، راه را بر مدعیان سلطنت می‌بستند. البته می‌توان در صحت این ازدواج‌ها شک کرد و این مشروعیت‌بخشی‌ها را مربوط به زمان نوشتن خداینامه دانست و یا این امر را نشان‌دهنده قدرت ادامه‌دار خاندان‌های اشکانی در دوره ساسانی شمرد. در جامعه ساسانی که نژادگی مشخصه پادشاهان ساسانی بود و دیگر خاندان‌ها از رسیدن به قدرت محروم بودند و نسب و پیوند خونی نقش مهمی در ایدئولوژی اهتمام به پاکی خون و نژاد نزد ساسانیان داشت؛ زنان خاندان‌های بزرگ از جمله اشکانیان در سراسر حکومت ساسانی به عنوان بانوی بانوان دربار و چه بسا مادر جانشین نقش مهمی در سیاست‌های دربار داشته‌اند. از طرف دیگر به شواهدی از ازدواج خودپدیده در منابع مکتوب بر می‌خوریم که می‌توان آن‌ها را در کنار شواهد به دست آمده از آثار تاریخی مانند کعبه زرتشت و نمونه‌هایی مانند ازدواج اردشیر و خواهرش دینک و ازدواج شاپور اول و دخترش آذرآناهید بررسی نمود. بنابراین به نظر می‌رسد دو مسئله اساسی کسب مشروعیت و حفاظت از قدرت سیاسی در خاندان شاهی علت اصلی رواج این ازدواج‌ها در میان خاندان ساسانی بوده است.

منابع:

- آذرنوش، مسعود. (۱۳۷۴). «نگاهی دیگر به شاهپور دوم، اردشیر دوم و شاهپور سوم پیشنهادی برای بازنویسی بخشی از تاریخ ساسانیان»، باستان‌شناسی و تاریخ، س ۱۰، ش ۱، ۳۷-۴۵.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). هنر ساسانی. تهران: انتشارات پازینه.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۳). تاریخ کامل. ترجمه سیدحسن روحانی، ج ۱، چ ۳، تهران: اساطیر.
- ابن اثیر، علی ابن محمد. (۱۳۸۴). تاریخ کامل. ترجمه سیدحسین روحانی، ج ۲، چ ۳، تهران: اساطیر.
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن. (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان. تصحیح اقبال آشتیانی، ج ۱، تهران: کلاله خاور.
- ابن بلخی. (۱۳۸۵)، فارسنامه. تهران: اساطیر.

ابن خلدون. (۱۳۸۳). العبر: تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ترجمه عبدالمحمدآیتی، چ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن قتیبه دینوری، ابومحمدعبدالله. (۱۴۱۸ ه ق). عیون الاخبار. ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه. اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک الارض والانبیا). ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد. (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی. تصحیح محمدتقی بهار، ج ۲، چ ۲، تهران: تابش. بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۳۷). ترجمه تاریخ طبری، ترجمه محمدجوادمشکور، تهران: کتابفروشی خیام.

بناکتی، محمدبن داود. (۱۳۴۸). تاریخ بناکتی. به کوشش جعفرشعار، تهران: انجمن آثار ملی.

پورشریعتی، پروانه. (۱۳۹۷). زوال و فروپاشی ساسانیان. ترجمه خشایار بهاری، تهران: فروزان روز.

تسنر. (۱۳۵۴). نامه تنسربه گشنسپ. تحقیق گردآورنده تعلیقات: مجتبی مینوی، محمداسماعیل رضوانی، تهران: خوارزمی.

ثعالبی نیشابوری، عبدالملک. (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی غررالاخبارملوک الفرس وسیرهم. ترجمه محمدفضائلی، تهران: نقره.

خواندمیر. محمد. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر، ج ۱، چ ۴، تهران: خیام.

دیمز، اورلی. (۱۳۸۸). تندیس گری و شمایل نگاری در ایران پیش از اسلام، ترجمه علی اکبروحدتی، تهران: ماهی.

دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود. (۱۳۹۵). اخبارالطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ ۱۰، تهران: نی. دریایی، تورج. (۱۳۹۲). «اردشیرچه زمانی بر استخر حکومت می کرد؟». ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، چ ۲، تهران: کتاب پارسه.

سیمزویلیامز، نیکولاس. (۱۳۹۲). «ساسانیان در شرق». ساسانیان، ویراسته وستا سرخوش کرتیس وسارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشرمرکز.

سبئوس. (۱۳۹۶). تاریخ سبئوس. ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: ققنوس.

شهبازی، علیرضاشاپور. (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۲). تاریخ طبری «تاریخ الرسل والملوک». ترجمه ابوالقاسم پاینده ج ۲، تهران: بنیادفرهنگ ایران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه. تحقیق به کوشش سعید حمیدیان، چ ۱۷، تهران: قطره.

فره وش، بهرام. (۱۳۸۶). کارنامه اردشیر بابکان. تهران: دانشگاه تهران.

کریستن سن، آرتورامانوئل. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشیدیاسمی، چ ۵، تهران: صدای معاصر.

کریستن سن، آرتورامانوئل (۱۳۸۶)، ترجمه ژاله آموزگار، «شاهزاده خانم و برگ مورد و شاهزاده خانم و نخود»، زبان فرهنگ اسطوره، تهران: معین.

لوکونین، ولادیمیرگریگوریویچ. (۱۳۹۳)، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.

مجمعل التواریخ و القصص. (۱۳۱۸). تصحیح ملک الشعراء بهار. به همت محمدرمضانی، تهران: خاور.

مستوفی، حمدالله بن ابی بکر. (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. تحقیق عبدالحسین نوائی، چ ۲، تهران: امیرکبیر.

مسعودی. علی. (۱۳۷۴). مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، چ ۵، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۶۹). تجارب الامم. ترجمه ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: سروش.

مشکور، محمدجواد. (۱۳۲۹). کارنامه اردشیربابکان. تهران: دانش.

میرسعیدی، نادر. (۱۳۷۹). «افسانه های تاریخی در تاریخ ساسانیان». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

نصر، اسنون. (۱۳۵۱). «شاهان ساسانی در تلمود شاپوراول، شاپور دوم و یزدگرد اول». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۹، ش ۸، ۹-۲۴.

نصراله زاده، سیروس. (۱۳۸۴). نام تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمز دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پژوهشکده زبان و گویش.

نولدکه، تئودور. (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: انجمن آثار ملی.

هاشمی نژاد، قاسم. (۱۳۸۵). کارنامه اردشیر بابکان. چ ۳، تهران: نشرمرکز.

هدایت، صادق. (۲۵۳۷). زند و هومن یسن و کارنامه اردشیرپاگان، تهران: انتشارات جاویدان.

هنینگ، و.ب. (۱۳۸۴). «یادداشت‌هایی درباره سنگ نوشته بزرگ شاپوریکم». ایران شناخت یادنامه استاد ا. و. ویلیامز جکسن، گزارش جلیل دوستخواه، تهران: نشرآگه.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله. (۱۳۸۳). معجم البلدان. ترجمه علینقی وزیری، تهران: میراث فرهنگی.